

تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق ایران

دکتر زهرا احمدی پور^۱

طهمورث حیدری موصول^۲

اکبر میرجلالی^۳

۹۰/۳/۲۵

۹۰/۵/۲۹

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

چکیده

مناطق بی ثبات همجوار جمهوری اسلامی ایران به خصوص در جنوب شرق باعث دغدغه‌ها و نگرانی‌های استراتژیک شده‌اند. به طوری که در صورت غفلت حکومت مرکزی می‌تواند سبب تهدید علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد. در این ارتباط بر بنیاد پژوهشی خاص، متغیرهای عوامل ناامنی در منطقه مورد کاوش قرار گرفته است. هدف این پژوهش، مطالعه عوامل ناامنی در ابعاد داخلی و خارجی در جنوب شرق ایران است. همچنین سعی گردیده تأثیر این عوامل در ناامنی جنوب شرق ایران (سیستان و بلوچستان) مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد و به این سؤال که هر کدام از عوامل داخلی و خارجی به چه میزان در ایجاد ناامنی جنوب شرق ایران تأثیر دارند؟ پاسخ داده شود. این عوامل در دو بعد داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری مورد استفاده در این پژوهش شامل ۱۴۳ نفر از متخصصین (اساتید دانشگاه و مسئولان استانی) می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و تحلیل آماری با استفاده از spss انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عوامل داخلی و خارجی هر کدام به سهم خود در ایجاد ناامنی جنوب شرق ایران (سیستان و بلوچستان) مؤثر می‌باشند؛ منتهی سهم عوامل خارجی بیش از عوامل داخلی می‌باشد. واژه‌های کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، جنوب شرق، ناامنی، جنبش‌های قومی، گروه‌های تروریست، قاچاق مواد مخدر

Ahmadiz@yahoo.com

۱- دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) Heidari2020@gmail.com

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای روستایی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

همچنان که از شواهد تاریخی بر می آید ایران در طول پنج هزار سال گذشته هیچ گاه، مسکن قوم واحدی نبوده بلکه همیشه اقوام گوناگونی در کنار هم در این سرزمین زندگی می کردند. علل این تنوع قومی در ایران و جهان ناشی از ماهیت انسان است که دارای ابعاد جسمانی- فرهنگی می باشد. اما با این حال فرهنگ و هویت عامل تعیین کننده تنوع قومی در ایران می باشد. برخورداری از این گوناگونی، طبعاً می تواند شامل یک یا چند مؤلفه یا همه آنها باشد. آنچه که در تحولات کنونی جهان دیده می شود این است که گوناگونی ها گاهی تشدید کننده برخی رودرویی ها، منازعات و بحران ها بوده اند. در بسیاری از موارد نیز تفاوت ها به مثابه عاملی در تقویت تعامل فکری، شناخت متقابل، تحولات و تاثیر گذاری ها، سازنده و نهایتاً تکامل ملی در جوامع برخوردار از این ویژگی ها عمل کرده است. افزون بر این، تفاوت ها، گاهی در ابعاد و انواع مختلف اش در ایجاد ارتباطات و تعاملات فرامرزی و فراهم ساختن زمینه نفوذ و اقتدار منطقه ای و مرکزیت بخشیدن به کشورهای متکثر عاملی تعیین کننده بوده است (مدیر شانه چی، ۱۳۸۰: ۲۶۰). بنابر آنچه که اشاره شد، تنوع موجود در ایران شامل گستره وسیعی از گوناگونی های دینی، مذهبی، قومی، زبانی و فرهنگی است. درون زا بودن و اصالت این تنوعات، موقعیت ویژه ای به ایران بخشیده است که این موقعیت نیز باعث شده که بیگانگان به دنبال منافعی در این سرزمین بوده و در تاریخ و جغرافیای آن تاثیر گذار باشند. از سوی دیگر، جنوب شرق کشور نیز که جزئی از پیکره سرزمین ایران می باشد به طبع از این گوناگونی و تنوع فرهنگی، اجتماعی و قومی مستثنی نبوده است. استان سیستان و بلوچستان از جمله استان هایی است که شکاف قومی و زبانی آن ها، موازی با شکاف مذهبی بوده و با تقویت و بالفعل کردن همدیگر بر احتمال فعال شدن و تبعات امنیتی مسائل قومی می افزاید هر چند که از گذشته این معضلات به صورتی دیگر وجود داشته است. امروزه هم برخی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای نقش مهمی در ایجاد ناامنی در این منطقه دارند. در واقع، ناامنی های موجود در این مناطق و نیز برخی از تحرکات، هشدار می است تا ارگان ها، سازمان ها و نهادهای دولتی تصمیم گیرنده در این رابطه جهت امنیت این منطقه به اقدامات مهم تری دست زنند. در این رابطه ما به بررسی عوامل این ناامنی ها و ابعاد آن می پردازیم.

ضرورت پژوهش

در طول چند سال اخیر، منطقه جنوب شرق کشور به ویژه استان سیستان و بلوچستان تبدیل به یک کانون بحرانی شده و تحولات خارجی نیز زمینه‌ای برای تشدید این مسئله بوده است. از طرفی هم، دو دولت ایران و پاکستان به ویژه ایران، سرمایه، امکانات و نیروهای عمده‌ای را برای کنترل مرزهای این منطقه صرف می‌کنند؛ اما تاکنون در این زمینه توفیقات رضایت بخشی حاصل نگردیده است. بنابراین لازم است مطالعات جدی و میدانی در قالب کتابخانه‌ای، پرسش نامه، مصاحبه و ... در این زمینه صورت گیرد. که ما در این پژوهش از این دیدگاه به دنبال مسئله جنوب شرق کشور می‌باشیم.

اهداف پژوهش

اهداف پژوهش فوق، این است که مسئله ابعاد ناامنی در این منطقه از کشور به صورت دقیق و علمی مورد کنکاش قرار گیرد. همچنین مشخص شود این که کدامیک از عوامل ناامنی در ابعاد داخلی یا خارجی بیشترین سهم را در این حوزه داشته است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با این پژوهش، تحقیقات و مقالاتی در حوزه جنوب شرق، به ویژه سیستان و بلوچستان صورت پذیرفته است که هر یک به ابعاد خاصی از منطقه پرداخته‌اند. اما هیچ یک به صورت دقیق ابعاد مسئله ناامنی را مورد واکاوی قرار نداده‌اند. در ارتباط با تحقیقات صورت گرفته، نمونه‌هایی ذکر شده است: «بررسی نقش قوم بلوچ در امنیت مرزهای جنوب شرق ایران»، (اسد کوساری و محمد حیدری ۱۳۸۲: ۱۰۹-۹۵)؛ «تحولات سیاسی-ایدئولوژیک در بلوچستان» (پیر محمد ملازهی، ۱۳۸۰: ۱۰۶-۸۹)؛ «امنیت و توسعه در غرب آسیا از منظر مدل محور-پیرامون: مطالعه موردی مناطق مرزی کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان» (راستی و حیدری، ۱۳۸۶: ۴۲-۲۳)؛ «ناحیه‌گرایی سیاسی در ایران؛ مطالعه موردی: بلوچستان»، (کاویانی راد، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۸۹)؛ «کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان در مناسبات ایران و پاکستان»، (کاویانی، ۱۳۹۰).

مبانی نظری

امنیت

نیاز به امنیت و رفتار امنیت جویانه قدیمی ترین نیاز آدمی و انگیزه کنش او از حیاتی ترین اهداف اجتماعات انسانی در اشکال مختلف خانوادگی، قبیله‌گی، امپراتوری، حکومت-ملت پایه و نظام جهانی بوده است؛ اما به رغم این نیازمندی عینی کهن و ریشه‌دار، کاوش نظری و واکاوی ابعاد مختلف آن قدمت چندانی ندارد و حداکثر به آغاز جنگ سرد در دهه ۱۹۹۰ میلادی باز می‌گردد (رنجبر، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۵). زمانی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی برای یک موجود (که نسبتاً- ولی نه اساساً- حکومت متشکل از دولت، سرزمین و ملت است) جلوه کند. سرشت خاص تهدیدات امنیتی، توسل به تدابیر فوق‌العاده را برای مهار آن‌ها موجود می‌سازد (بوزان، ویور و دو ویلد، ۱۳۸۶: ۴۶). مفسران امنیت معتقدند که در قبال امنیت هم می‌توان رویکردی عینی^۱ (بر اساس وجود تهدیدی راستین) اتخاذ کرد و هم رویکردی ذهنی^۲ (بر اساس احساس تهدید) (همان: ۵۸). تمایز میان این دو رویکرد، برای صورت‌بندی مفهومی از امنیت بین‌الملل که مناسب دستور کاری چند بخشی باشد اهمیت قاطع دارد. رویکرد مبتنی بر کنش‌گفتاری در قبال امنیت، ایجاب می‌کند که میان سه نوع واحدی که در تحلیل امنیت مطرح می‌باشند تفاوت قائل شویم:

الف- موضوعات امنیت^۳: چیزهایی که موجودیت‌شان در معرض تهدید انگاشته می‌شود و دعوی مشروعی برای بقا دارند؛

ب- بازیگران امنیتی کننده^۴: بازیگرانی که بر پویش‌های یک بخش تاثیر می‌گذارند. این بازیگران نه از موضوعات امنیت هستند و نه جزء بازیگرانی که خواهان امنیتی انگاشته شدن یکی از موضوعات امنیت هستند و نه جزء بازیگرانی که خواهان امنیتی انگاشته شدن یکی از موضوعات امنیت می‌شوند، ولی تاثیر چشم‌گیری بر تصمیمات متخذه در حوزه امنیت می‌گذارند (بوزان، ویور و دو ویلد، ۱۳۸۶: ۶۷). در نظام جهانی معاصر، مهم‌ترین موضوعات امنیت اجتماعی قبیله‌ها، عشیره‌ها، ملت‌ها، تمدن‌ها، مذاهب، و نژادها هستند

1- Objective

2- Subjective

3- Referent Objective

4- Securitized Actors

(همان: ۱۸۹). نیروهای برهم زننده ثبات و ماهیت تهدیدهای امنیتی روز به روز پیچیده‌تر و شناسایی آن‌ها مشکل‌تر می‌شود. پیدایش بازیگران درون حکومتی و فرا حکومتی محل ثبات و امنیت و دسترسی آنان به تسلیحات جدید و اطلاعات فن آوری باید مورد توجه خاص دستگاه سیاستگذاران قرار گیرد (شولتز، گادسون و کوئیستر، ۱۳۸۶: ۲۷۸). اصولاً ممکن است در آن واحد چهار نوع امنیت مختلف یا بیشتر مطرح باشد: امنیت یکایک شهروندان، امنیت ملت، امنیت رژیم، و امنیت حکومت. اگر جامعه‌ای مرکب از گروه‌های فرقه‌ای مرکب از هویت‌های قومی یا مذهبی گوناگون باشد امنیت این گروه‌ها هم می‌تواند مطرح باشد و همین موجب می‌شود تا کنش و واکنش و رقابت میان بازیکنان مختلف حتی پیچیده‌تر و حل نشدنی‌تر گردد (Job, ۲۰۰۵: ۱۵). در تحلیل واقع گرایانه کلاسیک، انسان‌ها اگر از قید حکومت و قانون (در شرایط آنارشی) به سر برند، انگیزه‌ها و رفتاری از خود بروز می‌دهند که به جنگ، تهدیدها و ناامنی راه می‌برد (تریف و همکاران: ۴۸). برخی واقع گرایان، نابرابری اقتصادی را ریشه تهدیدها می‌دانند. سنت گرایان امنیت را به «نبود تهدید نظامی» تعریف می‌کنند. در نگاه ایشان هدف اصلی در امنیت، تقویت توان نظامی، بالا بردن هزینه‌های نظامی و تولید و تکثیر سلاح‌های بازدارنده است. در واقع، معتقد به «قدرت بیشتر؛ امنیت بیشتر» می‌باشند. اما در مطالعات فراستانی تهدید در ابعاد دیگری چون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... از تهدیدات مهم و بسیار دغدغه آفرین شناخته می‌شود. بر این اساس امنیت، تنها نبود تهدید نظامی نیست، بلکه مجموعه‌ای از تهدیدات در تعریف و تحلیل امنیت تاثیرگذار است. در این دیدگاه، امنیت ثابت و یکنواخت نیست؛ بلکه در بستر زمان همراه با پیشرفت و توسعه تحول می‌یابد (بهرامی، ۱۳۸۵: ۹۵). در کشورهای توسعه یافته، انواع امنیت به یکدیگر وابسته نیستند و یا وابستگی اندکی با هم دارند. اندیشمندان این کشورها می‌توانند از امنیت اجتماعی و داخلی تعریف ویژه‌ای داشته باشند و یا بدون نظر داشت تهدیدات داخلی به تعریف امنیت ملی بپردازند. در مقابل، در کشورهای در حال توسعه و جهان سومی، صورت‌های گوناگون امنیت در یکدیگر تنیده‌اند، قلمرو امنیت ملی بسیار گسترده شده تا آنجا که در بسیاری از این کشورها بی‌ثباتی سیاسی و نبود امنیت داخلی در مقام مقایسه با تهدیدات خارجی به مراتب سخت‌تر می‌نماید و ارزش‌های حیاتی را بیش از هر تهدید دیگر خارجی در معرض زوال و بی‌توجهی قرار می‌دهد. این درهم تنیدگی اقسام امنیت در کشورهای جنوب، بیشتر معلول بحران مشروعیت، فقدان اراده ملی

و تنوع قومی و آشفستگی اقتصادی است (همان: ۹۸). بایلیز^۱ و رنگیر^۲ معتقد است که تحصیل امنیت از طریق قدرت نظامی به برانگیختن ناامنی در دیگران می‌انجامد. آرنولد و لفرز^۳ اظهار می‌دارد که امنیت، به درجه‌ای از حفاظت ارزش‌های موجود اشاره دارد. جان مروز^۴ امنیت را آزادی نسبی از تهدیدهای خطرناک می‌داند. بر اساس نقل والت لپمن^۵، و لفرز متذکر می‌شود که یک ملت زمانی امنیت دارد که بتواند بدون خطر، از ارزش‌های اساسی خود حفاظت کند، از جنگ اجتناب نماید و بتواند در هنگام چالش، ارزش‌های خود را با موفقیت حفظ نماید (میر عرب، ۱۳۷۹: ۱۳۵).

امنیت ملی

مسئله امنیت ملی، مفهومی غربی و عمدتاً آمریکایی است که پس از جنگ جهانی دوم مطرح گردید (آزر و این مون، ۱۳۷۹: ۱۱). اگر امنیت را مهم‌ترین کارکرد و خدمت حکومت مدرن بدانیم، امنیت ملی بزرگترین دغدغه هر نظام سیاسی است که با عناصر ایدئولوژیک و فرهنگی، اجتماعی و نظام پیوند خورده است. همچنین، تدابیر فراگیر برای حفظ و پاسداری از حاکمیت و قلمرو سرزمینی در لوای امنیت ملی سامان می‌یابد. در همین ارتباط ما در اینجا تعاریف مختلفی از این اصطلاح را از دیدگاه امنیت پژوهان و اندیشمندان سیاسی می‌آوریم:

1- Baylis

2- Rengger

3- Arnold Wolfers

4 - John Mroz

5 - Walter Lippmann

رابرت ماندل امنیت ملی را چنین تعریف می‌کند: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی بوده و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند» (نویدینا، ۱۳۸۵: ۵۶). به این ترتیب هر کشوری موظف است از حکومت و مرزهای جغرافیایی‌اش در مقابل دشمنان و متجاوزان خارجی دفاع نموده و با زدودن آسیب‌ها و خطرات، امنیت را برای شهروندان خویش فراهم نماید.

بوزان می‌گوید: «امنیت جوامع انسانی را عوامل پنجگانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تحت تاثیر قرار می‌دهد». و با هر نوع تهدیدی هم باید مقابله کرد.

ریچارد اولمن هم از همین دیدگاه تهدیدها را اینچنین تعریف می‌کند: تهدید امنیت ملی اقدام یا سلسله رویدادهایی است به شکلی مؤثر و در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی خطر افت کیفیت زندگی را برای ساکنان یک کشور پیش آورد یا با خطر جدی کاهش طیف خط مشی‌هایی که حکومت یک کشور یا واحدهای غیر حکومتی خصوصی موجود در داخل کشور چه به صورت اشخاص، گروه‌ها، شرکت‌ها و غیره می‌توانند از میان آن‌ها دست به انتخاب زنند همراه است (Ullman, ۲۰۰۹: ۱۳۳).

یک تهدید بر ضد امنیت ملی عبارت است از عمل یا پیامد ناشی از رخدادی که هم شرایط مساوی را برای ساکنان یک کشور به صورت جدی و طی یک دوره نسبتاً کوتاه، به چالش فراخواند و هم گزینه‌های حکومت و یا بازیگران غیر حکومتی را شدیداً محدود کرده و آن‌ها را در تنگنا قرار دهد (افتخاری، ۱۳۸۱: ۴۹۹).

سازمان ملل: «اینکه کشورها هیچ گونه احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی و اقتصادی نداشته باشند و بر گسترش و توسعه خویش توانا باشند «امنیت ملی» است.

ریچارد کوپر: «امنیت ملی را توان جامعه در حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌ها می‌شناسد».

دانشنامه بین‌المللی اجتماعی: «امنیت ملی، توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدهای خارجی است (بهرامی، ۱۳۸۲: ۹۳).

رابرت ماندل: «امنیت ملی در جهان سوم مستلزم توجه خاصی به تهدیدات داخلی است» (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۳).

فرانک تراگر: «امنیت ملی، به آن بخش از سیاست حکومت اطلاق می‌شود که به عنوان هدف ایجاد شرایط مطلوب سیاسی ملی و بین‌المللی جهت حمایت با توسعه ارزش‌های ملی حیاتی علیه موجودیت و توان حریفان، مورد توجه قرار گرفته است.

ریچارد اولمان: «تهدید نسبت به امنیت ملی، رفتار یا رشته‌ای از حوادث است که: ۱- تهدیدکنندگان به طور چشم‌گیر و در دوره زمانی نسبتاً کوتاه، وضعیت زندگی شهروندان یک حکومت را تخریب می‌کند؛ ۲- تهدیدکنندگان شخصاً حلقه انتخاب‌های موجود در سیاست‌گذاری را برای حکومت یک دولت یا افراد و مجموعه‌های غیر حکومتی نظیر اشخاص، گروه‌ها، اصناف محدود می‌نماید.

مایکل لود: «امنیت ملی شامل سیاست دفاعی سنتی و همچنین رفتارهای غیر نظامی حکومت برای تضمین ظرفیت کامل خود برای بقای موجودیت سیاسی به منظور اعمال نفوذ و تکمیل اهداف ملی و بین‌المللی می‌باشد (میر عرب، ۱۳۷۹: ۱۳۸-۱۳۷).

آرنولد ولفرز: «امنیت ملی مشتق از منافع ملی است و در اصل نشان‌دهنده تغییر توجه از رفاه به امنیت، در حوزه منافع ملی است» (آزر و این مون، ۱۳۷۹: ۳۴۲).

بیشتر نوشته‌های پیرامون مسئله امنیت ملی در جهان سوم، به موضوعات محیط امنیتی نظیر

احساس تهدید، فعل و انفعالات متقابل استراتژیک و اتحاد و جدایی در سطح منطقه یا در ارتباط با یک نیروی ابر قدرت توجه دارند (همان: ۱۶). در واقع، امنیت ملی متوجه عملکردهای ذیل می‌باشد:

امنیت ملی
۱- متوجه عملکرد و رفتار کشورهای خارجی در تامین امنیت یا امنیت زدایی است. ۲- به خطرات، توطئه‌ها و تجاوزات کشورهای بیگانه توجه دارد. ۳- ایدئولوژی حکومتی را در شناسایی دوست و دشمن ملاک قرار می‌دهد. ۴- بر امکانات و تجهیزات نظامی و قهرآمیز متکی است. ۵- به حفظ سرزمین و تعلقات کشوری به هر قیمت نظر دارد. ۶- واحد تحلیل آن، حکومت است.

(نویدنیا، ۱۳۸۵: ۶۷).

گونه‌های مراجع امنیت

شاخص‌هایی که شناسایی مرجع امنیت در رویکردها، گفتمان‌ها و مکاتب امنیت ملی مختلف را میسر می‌سازد، شامل مواردی از جمله:

الف- مؤلفه تهدید؛ یعنی چه عناصر و عواملی را موجب تهدید می‌داند و رخداد یا تشدید آن وقایع را موجب تهدید بقا یا دوام واحد مورد نظر معرفی می‌کند؛

ب- عوامل تامین امنیت؛ یعنی وجود و تقویت چه مؤلفه‌هایی را پایدار کننده امنیت آن و مستلزم قوام و دوام آن پیشنهاد می‌نماید؛ ج- اهداف و سیاست‌های امنیت ملی؛ می‌تواند به درک بهتری از مرجع امنیت بیانجامد. بنابراین، با توجه به سه متغیر تهدید یا آسیب‌پذیری، مبانی و عوامل قدرت و تامین امنیت و اهداف سیاستگذاری‌های امنیت ملی می‌توان به فهم درست مرجع امنیت نائل آمد (کریمی مله، ۱۳۸۴: ۷۶۸-۷۶۹). به رغم اذعان به فقدان اجماع و اتفاق نظر بین امنیت پژوهان در خصوص مرجع امنیت، مرور اجمالی بر ادبیات موضوع و لحاظ عقلی چنین می‌نماید که مراجع پنجگانه زیر را می‌توان برای امنیت قابل احصاء دانست: فرد، رژیم، جامعه، حکومت و جامعه جهانی.

۱- **حکومت**؛ در برداشت‌های واقع‌گرایانه از امنیت، موضوع آشکار امنیت حکومت

است. بوزان تهدیدهای مطرح برای حکومت‌ها را بر سه نوع می‌داند:

الف- تهدیدهایی که متوجه اندیشه حکومت (ملت گرایی) است؛

ب- تهدیدهایی که بنیان فیزیکی حکومت (جمعیت و منابع) را هدف می گیرد؛

د- تهدیدهایی که متوجه نمود نهادین حکومت (نظام سیاسی) است (تریف و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۳). برخی حکومت را موضوع امنیت می دانند و بر شکنندگی و نوپایی نسبی حکومت در جهان سوم انگشت می گذارند. برای نمونه، از دید ایوب، امنیت در جهان سوم به «آسیب پذیری- چه داخلی و چه خارجی اشاره دارد که با تهدید یا امکان بالقوه ساقط کردن یا تضعیف ساختارهای حکومت- چه سرزمینی، چه نهادی- و رژیم های حاکم همراه است» (همان: ۴۴). بر این اساس، امنیت نوعی شرایط سیاسی است که اغلب اساساً برخاسته از تاثیر سیاسی ضعف انسجام اجتماعی و عدم مشروعیت رژیم آن هاست. تهدید یک حکومت متوجه امنیت آن و تهدید یک جامعه متوجه هویت آن است. امنیت اجتماعی ناظر بر پایداری الگوهای نسبی زبان، فرهنگ، همبستگی و هویت و عرف های مذهبی و ملی در چارچوب شرایط قابل قبول برای تحول و تکامل آن هاست.

۲- رژیم؛ از نظر برخی امنیت پژوهان، رژیم سیاسی به معنی صاحبان قدرت و نخبگان ابزاری، قدرتمندترین مرجع امنیت به شمار می رود. در این برداشت هدف محوری طرح ها، الگوها و رژیم های امنیتی، صیانت از رژیم حاکم و تامین امنیت آن و نه حمایت و حفاظت از شهر و شهروندان است. چنین تلقی ای به ویژه در دوران پیش از دولت که تامین امنیت فرد حاکم (رئیس قبیله، پادشاه، امپراتور و یا گروه حاکم مثل حکومت طبقه اشراف)، حمایت از امنیت و منفعت طبقه حاکم را در کانون توجه قرار می داد، صادق است. که با گذر به حکومت ملت کلیت، این مرجع دچار جابجایی شد. در این ارتباط، دیویس بی بارو و استیو چن معتقدند که در جهان سوم امنیت رژیم از امنیت جامعه و امنیت ملی متمایز است و تهدید امنیت ملی فقط آن دسته تهدیدات را شامل می شود که علیه صاحبان مقام و قدرت صورت گیرد (کریمی مله، ۱۳۸۴: ۷۷۲-۷۷۱- آزر و این مون، ۱۳۷۹: ۸۳).

۳- جامعه؛ در این دیدگاه به جای تکیه بر اقتدار یا قدرت، امنیت اجتماعی، هویت را جانشین آن می سازد و تحصیل امنیت را در گرو تثبیت و تقویت عقاید، هنجارها و ارزش های اجتماعی و حفاظت از صورت بندی الگوهای سنتی، زبان، گویش، فرهنگ، مذهب، آداب و رسوم و غیره می داند و تهدیدات امنیت نیز زمانی حادث می شود که عوامل درونی یا اقتضانات محیط بیرونی، حفظ الگوها، ساختارها و هویت های یاد شده را در معرض مخاطره قرار دهد. رابرت ماندل در این باره توسعه ابعاد امنیت را در متغیرهای حفظ هویت مردم،

جامعه محوری و امنیت فرهنگی می‌داند.

۴- فرد؛ در طیف‌هایی از مطالعات امنیتی به ویژه در مکتب انتقادی، فرد به عنوان مرجع اصلی امنیت معرفی شده و تهدیداتی که امنیت افراد را با خطر مواجه می‌سازد و با شرایطی که با تامین امنیت وی می‌انجامد، مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این باره بوث معتقد است که «رهایی از سلطه»، یعنی آزاد گذاشتن افراد و گروه‌ها از فشارها و محدودیت‌های فیزیکی و رسانه‌ای که انسان‌ها را از دستیابی به اهدافشان باز می‌دارد، راه تامین امنیت است (Booth, 2008: 324).

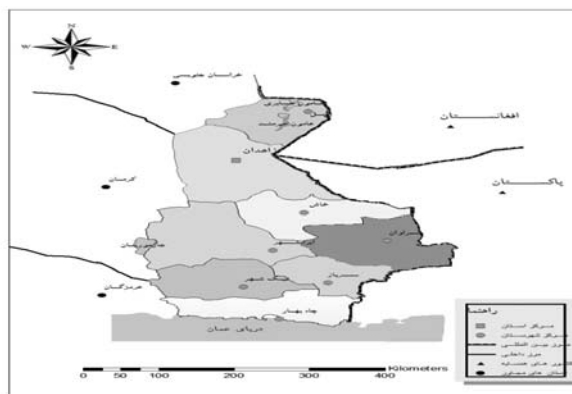
۵- جامعه جهانی؛ توسعه و گسترش ارتباطات جهانی در عصر جهانی شدن سبب فراگیر شدن مرزهای امنیتی در ابعاد منطقه‌ای و جهانی شده است. تهدیداتی از قبیل گرم شدن کره زمین ناشی از اثرات گلخانه‌ای، تخریب لایه ازن و مواجه انسان با آلودگی‌های مختلف شامل باران‌های اسیدی و غیره در حال وقوع است که یکپارچگی سرنوشت بشر را تقویت کرده؛ به طوری که مهار و مدیریت عوامل بر هم زننده امنیت یا بقای جامعه بشری و تلاش برای تمهید شرایط زیست امن در سطح جهانی را به موضوع نوین مطالعات امنیتی مبدل ساخته است (طیب، ۱۳۸۰: ۶۰-۵۹). در مجموع، در هر نظام سیاسی به واسطه ایده تشکیل دهنده و نحوه شکل‌گیری‌اش، تلقی و برداشت یا معنا و مفهوم خاصی از امنیت ملی را بر می‌تابد و از این رو، شناسه‌های امنیت ملی آن با دیگر نظام‌ها هم شکل نیست. البته، این برداشت عمدتاً با ماهیت و فلسفه وجودی رژیم‌های سیاسی مرتبط است و در عین حال می‌تواند ناشی از ظرفیت‌های طبیعی و تاریخی متفاوت در هر کشوری باشد. با این وجود، تلقی‌های یکسان‌انگار و نیز برای شاخص‌سازی، قائل به دسته‌بندی کشورها با معیارهایی چون میزان توسعه یا تشابه ساختارهای سیاسی- اجتماعی و جغرافیایی هستند و از این رو، شاخص‌های سنجش امنیت ملی برای همه کشورها را یکسان نمی‌دانند. بنابراین، اصطلاح امنیت در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در مقابل تهدیدات و خطرات مفهوم روشنتری به خود می‌گیرد و حوزه‌های داخلی و خارجی را هم پوشش می‌دهد؛ موارد ذیل را در بر می‌گیرد:

محیط‌شناسی پژوهش

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی حدود ۱۸۱۷۸۵ کیلومتر مربع پهناورترین استان کشور می‌باشد که در جنوب خاوری ایران واقع است و بیش از ۱۱ درصد وسعت این کشور را دربر

می گیرد. این استان با قرار گرفتن در بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گریونیچ، از نظر جمعیتی از کم تراکم ترین استان های کشور است (حافظ نیا و کاویانی، ۱۳۸۵: ۲۶). این استان از دو منطقه سیستان و بلوچستان تشکیل می شود و از شمال به استان خراسان جنوبی و کشور افغانستان، از شرق به کشورهای پاکستان و افغانستان، از جنوب به دریای عمان و از مغرب به استان های کرمان و هرمزگان محدود می شود. سیستان و بلوچستان ۱۱۰۰ کیلومتر مرز با کشورهای پاکستان و افغانستان و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان دارد و به دلیل قرار گرفتن در موقعیت راهبردی و ترانزیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، جمعیت این استان ۲۴۰۵۷۴۲ نفر بوده است. از جمعیت ۲۴۰۵۷۴۲ نفری استان، ۴۹/۶۰ درصد در نقاط شهری و ۵۰/۱۵ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن بوده اند. موازنه مهاجرتی استان منفی و از استان های مهاجر فرست بوده است. بیش ترین علت مهاجرت (۴۳/۱۸ درصد) مربوط به پیروی از خانوار و بعد از آن تحصیل (۱۱/۷۷ درصد) و جستجوی کار (۹/۲۶ درصد) می باشد (سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان سیستان و بلوچستان، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). مردم استان سیستان و بلوچستان از قومیت های بلوچ و فارس زبان و پیرو اهل سنت و تشیع می باشند. مرزهای سیاسی امروزی در بخش جنوب شرقی و شرقی ایران بیشتر در دوران سلطنت پادشاهان قاجار شکل گرفته اند. مرزهای کنونی این منطقه در اثر دخالت کشور انگلستان که منافع خود را در خاور ایران به ویژه در هندوستان یافته بود، توسط ژنرال گلداسمیت به وجود آمد.

شکل شماره (۲) نقشه موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه (سیستان و بلوچستان)



مواد و روش انجام تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است و برای گردآوری و فیش برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی معتبر استفاده شده است. برای پاسخ به پرسش پژوهش از دو روش کمی (پیمایش) و کیفی (مصاحبه) استفاده شده است. داده‌های کمی با استفاده از نرم افزار SPSS انجام است. پرسشنامه طراحی شده در این تحقیق شامل ۱۹ گویه می‌باشد که این پرسش‌ها بر اساس شاخص‌های مد نظر به صورت طیف لیکرت پنج گزینه‌ای طراحی گردیده است. پرسش‌های ارائه شده به تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق می‌پردازد. پرسش‌ها و شاخص‌هایی که در این پرسشنامه لحاظ گردیده‌اند، در کل در قالب دو فرضیه آزمون می‌گردند. فرضیه اول در بر دارنده ۱۱ سؤال و فرضیه دوم در بر دارنده ۸ سؤال می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش به تعداد ۱۴۳ نفر از اساتید متخصص، مسئولان استانی و آگاهان در این زمینه می‌باشند. جامعه آماری نامحدود و روش نمونه‌گیری، تصادفی است. لازم به ذکر است که روایی تحقیق با استفاده از آزمون کرویت بار تلت با رقم حدود ۷/۱۹۲، و پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ با ضریب معادل ۸۶۵۴/ می‌باشد که مورد پذیرش قرار می‌گیرد. و جامعه آماری نیز مبتنی بر ۱۴۳ نفر است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و از آزمون‌های رگرسیون خطی، استفاده شده است. به منظور بررسی و تحلیل عوامل ناامنی (عوامل داخلی و خارجی) در جنوب شرق ایران، اقدام به طراحی گویه در هر یک از متغیرهای پژوهش، مطابق با شکل شماره (۳) شده است.

شکل شماره (۳) گویه‌های مورد استفاده در پژوهش

متغیر	گویه‌ها
عوامل داخلی	انزوای جغرافیایی؛ ظهور گرایش‌های سیاسی محلی گرا (مثل ظهور احزاب و...)؛ شکاف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جنوب شرق با بدنه کشور؛ ایجاد و تقویت ناسیونالیسم قومی و اختلافات زبانی - قومی؛ موقعیت مرزی قوم بلوچ و سیستانی؛ عدم آموزش گسترده نیروهای انسانی در ابعاد مختلف نظامی، امنیتی، سیاسی و... در این منطقه؛ وجود گروه‌های تروریستی در جنوب شرق کشور؛ قاچاق مواد مخدر و عدم کنترل دقیق مرزها؛ تنش‌سازی فرقه‌ای توسط گروه‌ها و افراد داخلی.
عوامل خارجی	گسترش رابطه اقوام این منطقه با اقوام هم کیش در کشورهای همسایه پاکستان و افغانستان؛ تحصیل رهبران مذهبی این منطقه در کشورهای عربستان، پاکستان، هند و... و تاثیر گذاری این قشر تحصیل کرده از اندیشه‌های حاکم بر فضای حوزه‌های علمی و آموزشی این کشورها؛ بحران‌های داخلی افغانستان؛ حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای (مثل آمریکا، ناتو و...)؛ بحران‌های داخلی پاکستان؛ حمایت مالی، آموزشی و مذهبی کشورهای منطقه (مثل عربستان سعودی، پاکستان و...) به افراد و گروه‌های مختلف در این منطقه؛ عدم همکاری کشورهای همسایه (پاکستان، افغانستان)؛ تنش‌سازی فرقه‌ای توسط گروه‌ها و افراد خارجی.

سوالات

۱- آیا عوامل داخلی (انزوای جغرافیایی؛ ظهور گرایش‌های سیاسی محلی گرا (مثل ظهور احزاب و...)؛ شکاف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جنوب شرق با بدنه کشور؛ ایجاد و تقویت ناسیونالیسم قومی؛ اختلافات زبانی - قومی؛ موقعیت مرزی قوم بلوچ و سیستانی؛ عدم آموزش گسترده نیروهای انسانی در ابعاد مختلف نظامی، امنیتی، سیاسی و... در این منطقه؛ وجود گروه‌های تروریستی در جنوب شرق کشور؛ قاچاق مواد مخدر؛ عدم کنترل دقیق مرزها و تنش‌سازی فرقه‌ای توسط گروه‌ها و افراد داخلی) سبب ایجاد ناامنی در جنوب شرق کشور است؟

۲- آیا عوامل خارجی (گسترش رابطه اقوام این منطقه با اقوام هم‌کیش در کشورهای همسایه پاکستان و افغانستان؛ تحصیل رهبران مذهبی این منطقه در کشورهای عربستان، پاکستان، هند و... و تاثیر گذاری این قشر تحصیل کرده از اندیشه‌های حاکم بر فضای حوزه‌های علمی و آموزشی این کشورها؛ بحران‌های داخلی افغانستان؛ حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بحران‌های داخلی پاکستان؛ حمایت مالی، آموزشی و مذهبی کشورهای منطقه به افراد و گروه‌های مختلف در این منطقه؛ عدم همکاری کشورهای همسایه؛ و تنش‌سازی فرقه‌ای توسط گروه‌ها و افراد خارجی) سبب ایجاد ناامنی در جنوب شرق کشور است؟

۳- مجموع کدام یک از عوامل داخلی یا خارجی بیشترین تاثیر را در ناامنی جنوب شرق ایران دارد؟

فرضیات

۱- به نظر می‌رسد عوامل داخلی (انزوای جغرافیایی؛ ظهور گرایش‌های سیاسی محلی گرا (مثل ظهور احزاب و...)؛ شکاف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جنوب شرق با بدنه کشور؛ ایجاد و تقویت ناسیونالیسم قومی؛ اختلافات زبانی - قومی؛ موقعیت مرزی قوم بلوچ و سیستانی؛ عدم آموزش گسترده نیروهای انسانی در ابعاد مختلف نظامی، امنیتی، سیاسی و... در این منطقه؛ وجود گروه‌های تروریستی در جنوب شرق کشور؛ قاچاق مواد مخدر؛ عدم کنترل دقیق مرزها و تنش‌سازی فرقه‌ای توسط گروه‌ها و افراد داخلی) سبب ایجاد ناامنی در جنوب شرق کشور شده است.

۲- به نظر می‌رسد عوامل خارجی (گسترش رابطه اقوام این منطقه با اقوام هم‌کیش در کشورهای همسایه پاکستان و افغانستان؛ تحصیل رهبران مذهبی این منطقه در کشورهای عربستان، پاکستان، هند و ... و تاثیر گذاری این قشر تحصیل کرده از اندیشه‌های حاکم بر فضای حوزه‌های علمی و آموزشی این کشورها؛ بحران‌های داخلی افغانستان؛ حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بحران‌های داخلی پاکستان؛ حمایت مالی، آموزشی و مذهبی کشورهای منطقه به افراد و گروه‌های مختلف در این منطقه؛ عدم همکاری کشورهای همسایه؛ و تنش‌سازی فرقه‌ای توسط گروه‌ها و افراد خارجی) سبب ایجاد ناامنی در جنوب شرق کشور شده است.

۳- به نظر می‌رسد مجموع عوامل خارجی بیشترین تاثیر را در ناامنی جنوب شرق ایران دارد.

یافته‌های تحقیق

برخی از ناامنی‌های این منطقه دارای ابعاد درون کشوری و برخی ابعاد بیرونی و متأثر از عوامل بیگانه می‌باشد که ما در این پژوهش به بررسی این ابعاد می‌پردازیم:

ابعاد داخلی ناامنی

انزوای جغرافیایی:

در شکل‌گیری مسائل امنیتی در استان سیستان و بلوچستان، گسست‌هایی وجود دارد که یکی از آن‌ها، گسست این استان به لحاظ اقلیمی و جغرافیایی با دیگر مناطق کشور است. گستره جغرافیایی زیاد و شرایط نامناسب طبیعی، افزون بر رفت و آمد آسان و زیاد مردم این منطقه با کشورهای همجوار که به دلیل نزدیکی به آن سوی مرز صورت می‌گیرد؛ مشکلاتی را برای عاملین تامین امنیت در این مناطق ایجاد می‌کند. همچنین، این منطقه به واسطه تمایز مذهبی و فاصله جغرافیایی نسبت به مرکز، از نواحی ای می‌باشد که زمینه‌های امنیت ملی و ناحیه‌ای کشور را آسیب‌پذیر می‌سازد (کوساری و حیدری، ۱۳۸۸: ۱۰۳). بنابراین، رابطه حاشیه‌ای بودن با پدیده ناامنی در مرزها رابطه‌ی معنی‌دار است و مناطق دور از مرکز جولانگاه قاچاقچیان و فراریان از قانون می‌تواند باشد. به طوری که منطقه جنوب شرق، سرزمین فقر، عقب ماندگی، قاچاق مواد مخدر، گرما و کم آبی شناخته می‌شود (حافظ‌نیا،



جنبش‌های قومی دسته جمعی بالقوه:

عوامل سهمیم در مرحله بالقوه جنبش‌های دسته جمعی شامل عناصر عینی مانند: نابرابری بین اقوام از لحاظ اقتصادی- اجتماعی و مشارکت سیاسی و متغیرهای ذهنی مانند: امیال جمعی قوم برای احیاء هویت گروهی، نمادهای فرهنگی، تمایزهای منزلتی و ایدئولوژیکی بین اقوام می‌گردند. این عوامل، خواسته‌های غیرقابل مذاکره و قابل مذاکره و این خواسته‌ها مشروعیت منافع رقیب را می‌پذیرند و نیاز به فرمول‌های بده- بستان دو جانبه با حکومت را شدت می‌بخشند که خود، با افزایش نارضایتی قومی دسته‌جمعی شرایطی را فراهم می‌کنند که منجر به شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی قومی می‌شود (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۷۸). تنوع ملی می‌تواند منبع قدرت و غرور ملی و یا منبع شکاف و منازعه، بسته به وضعیت اجتماعی- اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اقلیت‌ها در ساختار یک کشور باشد.

احیاء شدن ناسیونالیسم قومی:

ناسیونالیسم قومی، گونه‌ای از معماری سیاسی- فرهنگی بر اساس قومیت بوده که با هدف ایجاد دولتی متحد و یکپارچه نضج و قوام می‌یابد. این گونه ناسیونالیسم به لحاظ مکانی، مشا مشترک گروه قومی خاصی را تبیین می‌نماید، اغلب آن‌ها را به سرزمینی خاص مرتبط می‌سازد. دومین عملکرد ناسیونالیسم قومی، ایجاد احساس هویت برای گروه‌های قومی است. این احساس هویت، مبارزه نخبگان قومی را به دست‌گیری، حفظ و گسترش قدرت سیاسی تشریح می‌نماید (مقصودی، ۱۳۸۰: ۵۲). این گونه ناسیونالیسم، آمال و آرزوهای خاصی را ارائه می‌دهد که در قالب مفاهیم زمینی چون، رهایی، استقلال و وحدت قومی و یا در غایت مفاهیم فرازمینی نظیر رستگاری قومی و برگزیده بودن قومی نزد پروردگار تجلی می‌یابد (Kathleen and shelley, ۲۰۰۷: ۵۴). در حالتی که گروه‌های قومی واحد در چند کشور پراکنده باشند، ناسیونالیسم قومی، طرفدار ایجاد دولتی فراگیر با شرکت تمامی گروه‌های هم‌ریشه و هم‌فرهنگ از کشورهای دیگر است که این، صدای جنگ طلبی، گسترش خواهی و چشم‌داشت به خاک دیگران را می‌دهد. این چنین ناسیونالیسمی، ناسیونالیسم قومی الحاق‌گرایانه است. در صورتی که هیچ یک از این گروه‌ها قدرت سیاسی

را در دست نداشته باشند، مبارزات آن‌ها در چارچوب جنبش‌های جدایی طلبانه چند جانبه^۱ قابل ارزیابی می‌باشد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۵۳). در این رابطه، قوم بلوچ ایران با بلوچ‌های پاکستان در سه متغیر مذهب، زبان و قومیت با یکدیگر تجانس دارند. ترکیب این سه متغیر همسو بر همگرایی دو بخش بلوچ نشین‌های ایران و پاکستان تاثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش برخی نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی «بلوچستان آزاد» پدید آورده است. جنبش سیاسی ناسیونالیسم بلوچ در پرتو رقابت‌های دوران جنگ سرد شکل گرفت و مدتی دچار فراز و نشیب بود. این حرکت پس از پایان جنگ سرد یا تظاهرات درون منطقه‌ای، به ویژه در پاکستان همراه بود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷۵). روزنامه‌ها، مطبوعات، جریانات فرهنگی و نخبگان سیاسی - اجتماعی بلوچستان نیز در این امر مشارکت داشته و دارند.

تنش‌های قومی - مذهبی و عوامل تاثیر گذار:

تکثر قومی، زبانی و مذهبی از ویژگی‌های جمعیتی سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان می‌باشد. افزون بر اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی این کشورها عمدتاً در مناطق مرزی و حاشیه ساکن هستند. و با توجه به تمایزات و فاصله آن‌ها از مرکز، تمایلات واگرایانه در این مناطق بیشتر بوده و در موارد حاد قابلیت تبدیل به تنش‌های قومی را دارند. تنش‌های قومی - مذهبی در این مناطق عمدتاً ریشه در فرایند ناقص شکل‌گیری دولت سرزمینی و ماهیت ساختگی مرزها دارد. و علاوه بر اینکه با مدیریت کوتاه سیاسی قابل حل نیست، تحت تاثیر تقویت‌کننده دیگر عوامل بحران‌زا نیز قرار می‌گیرد. چنانکه نقش عوامل خارجی را در فعال کردن تنش‌های قومی، مذهبی و زبانی نمی‌توان نادیده گرفت. در طرح خاورمیانه بزرگ نیز مانور زیادی روی اختلافات و شکاف‌های قومی، زبانی و مذهبی منطقه شده است که این مسئله نشانگر این است که تنش‌های قومی - مذهبی به عنوان یکی از تهدیدهای پیش روی امنیت ملی کشورهای این منطقه مدنظر می‌باشد و بر این اساس عملکرد دولت‌ها در ایجاد همبستگی ملی و ایجاد همگرایی سنگین‌تر می‌شود. در نتیجه این کشورها از نقطه نظر تامین امنیت داخلی، هر راهبردی را که در پیش می‌گیرند باید مبتنی بر وحدت تمامی گروه‌ها و قومیت‌ها باشد تا بلکه بتواند زمینه بروز ناامنی در حواشی مرزها را مهار نموده و جریان‌های

بحران زارا را به خارج از مرزها هدایت نمایند (راستی و رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۶۶-۱۶۷). چالش‌های ایدئولوژیک بعد از قدرت گرفتن طالبان در قندهار از سال ۱۹۹۴ میلادی شدت بیشتری گرفته و به تدریج منطقه‌ی سیستان و بلوچستان را تحت تاثیر خود قرار داده است. در عین حال به نحو آشکاری اندیشه طالبانی در چالش با انقلاب اسلامی قرار گرفته و در کویته مرکز ایالت بلوچستان پاکستان ناسیونالیزم بلوچ را نیز به مبارزه کشانده است (ملازهی، ۱۳۸۰: ۹۵). در همین راستا، بسیاری از رهبران مذهبی بلوچ در خارج از کشور در کشورهای عربستان، پاکستان و هند تحصیل می‌کنند و یا از اندیشه‌های حاکم بر فضای حوزه‌های علمی آن‌ها متأثر می‌گردند. مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان می‌گوید: «به این دلیل که سطح سواد و مدرکی که در عربستان به مولوی‌ها داده می‌شود بالاتر است، در نتیجه بسیاری از مولوی‌ها علاقمند هستند که در شان را در آن جا به اتمام برسانند و مدارکی که در هند و پاکستان اعطا می‌شود ارزش علمی معتبری ندارند» (حافظ نیا و کاویانی، ۱۳۸۵: ۳۳). در افکار وهابیون شیعیان با توجه به باورهایشان مشرک به شمار می‌روند. بازگشت این مولوی‌ها با توجه به اندوخته‌های علمی در کشوری که تحصیل کرده‌اند و نیز علمای مدعو پاکستانی جهت آموزش علوم دینی در بلوچستان ایران، مناسب‌ترین پوشش برای فعالیت وهابیون است. یکی از جلوه‌های فعالیت شکاف و تعارض مذهبی، کوشش‌های عربستان و در مقیاس کمتر امارات، برای نفوذ در جمعیت اهل تسنن اقوام بلوچ شرق و جنوب شرق ایران است. عربستان که یکی از کانون‌های مدارس عالی دینی در جهان و منطقه است، خدمات آموزشی مذهبی رایگانی در اختیار طلبه‌های سنی مذهب ایران قرار می‌دهد. اثر این تبلیغ‌های سازمان یافته، حداقل از دو جنبه برای امنیت ملی ایران خطر آفرین بوده است؛ تخفیف و کاهش هویت‌ها و تابعیت‌های ملی به نفع هویت‌های مذهبی، نخستین تهدید ناشی از گسترش تفکر وهابی‌گری به ویژه در خاور و جنوب خاوری است. ترویج این تفکر به ویژه تلاش برای تکوین تشکلهای متعدد مذهبی، علاوه بر تقویت انرژی واگرایی این مناطق نسبت به هسته مرکزی حکومت، موجب افزایش همگرایی‌های اهل تسنن ساحل جنوب و بلوچ‌های حنفی خاور و جنوب خاوری ایران شده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۸۱-۱۸۲). می‌توان گفت، جریان همگرایی و همبستگی بین دانش‌آموختگان مذهبی این مناطق، شدیدتر از نقاط دیگر می‌باشد. از دیدگاه وهابیت این بخش از ایران دارای شرایط مناسب برای تبلیغ و گسترش حوزه نفوذ فرقه وهابیت است از جمله:

۱- خروج طلاب و روحانیون قوم بلوچ از کشور به منظور گذراندن دوره های عالی دروس دینی در کشورهای منطقه (از جمله عربستان و پاکستان) و وجود جریانات قوی وهابیت در این کشورها سبب خواهد شد که ناخود آگاه تحت تاثیر آموزش ها، القائات و جریانات عقیدتی- سیاسی این کشورها قرار گیرند. آن سان که رافضی و ملحد دانستن شیعیان جزو اولین آموزش های مرسوم و متداول بین گروه های جماعات تبلیغی پاکستان و غیره به شمار می رود (همان: ۱۴۷).

۲- فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و تفاوت های مذهبی مرکز و پیرامون در ایران، تاثیر تبلیغات وهابیون مبنی بر اینکه نظام ایران یک نظام شیعی است و نه یک حکومت اسلامی، باعث شده اشرار محلی به راحتی در قالب مذهب علیه نیروهای حکومتی عمل کنند. در این منطقه وهابیت به عنوان عامل بالقوه بر اندازی و ایجاد تفرقه و بحران در حوزه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است (حافظ نیا و کاویانی، ۱۳۸۵: ۳۴).

۳- وجود نسبت جمعیتی اهل تسنن که نسبت به شیعیان در اکثریت می باشند؛

۴- سکونت بلوچ های حنفی مذهب در نوار مرزی جنوب شرق کشور؛

۵- آزادی عمل بیشتر وهابیون پاکستان و همچنین ادامه دنباله قوم بلوچ های ایرانی به خارج از مرزهای کشور، زمینه تبلیغات و فعالیت وهابیون را با پشتیبانی عربستان و کشورهای منطقه همراه کرده است. در مجموع عوامل ذکر شده، از جمله عواملی هستند که باید توجه اساسی به آنها شود و در صورت کم توجهی به این ویژگی ها ممکن است امنیت کشور در آینده با خطر مواجه شود.

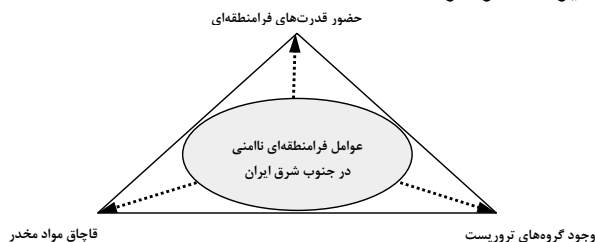
عدم توازن توسعه ملی:

توسعه ملی فرایند توسعه همه جانبه ای است که در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اکولوژیکی و ارتباطات متقابل آنها را در بر می گیرد، به صورتی که هر کدام از ابعاد این فرایند در ارتباط مستمر و دائمی با ابعاد دیگر قرار دارند و کنش و واکنش و اثرات تقابلی یکدیگر را کامل و یک پیکره واحدی به نام توسعه ملی را پدید می آورند. توسعه ملی باید بتواند کیفیت زندگی را به صورت نسبتاً هماهنگ و موزون در مناطق مختلف بهبود بخشد و از تمام ظرفیت های منطقه ای و محلی اعم از امکانات طبیعی و نیروی فکری و انسانی استفاده کند (نظر پور، ۱۳۷۸: ۵۰). همچنین، توسعه ملی و امنیت ملی دارای ارتباطات دو سویه و متقابلی می باشند، از یک

جهت توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می‌انجامد و از جهت دیگر فراهم آمدن امنیت ملی، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی را فراهم می‌آورد. در همین راستا، توسعه نامتوازن فضاهای جغرافیایی کشور به ویژه در مناطق مرزی جنوب شرق کشور موجب گسست وحدت و همبستگی ملی شده و منجر به واکنش تحرکات واگرایانه در این مناطق می‌شود. این مسئله در صورت عدم توجه جدی، در بلند مدت تاثیر سویی بر قدرت ملی ایران بر جای خواهد گذاشت و سال‌ها زمان می‌برد تا اثرات مخرب مادی و معنوی آن از کشور زدوده شود. با توجه به اینکه عواملی نظیر سواد، سطح فرهنگی، رفاه اجتماعی، درآمد سرانه بالا، ثبات سیاسی، سطح علمی و تکنولوژیکی بالا، با توسعه یافتگی رابطه مستقیمی دارند و نقش این عوامل در میزان قدرت ملی زیاد است. بنابراین توسعه یافتگی کشور به ویژه مناطق مرزی که عوامل واگرایی و ناامنی قوی‌تر است، قدرت ملی را افزایش می‌دهد و افزایش قدرت ملی نیز منجر به افزایش وزن ژئوپلیتیکی می‌شود، افزایش وزن ژئوپلیتیکی بهبود موقعیت کشور در سیستم ژئوپلیتیکی را به دنبال دارد، بهبود موقعیت کشور در سیستم ژئوپلیتیکی موجب گسترش حوزه نفوذ جغرافیایی کشور شده و در نهایت موجب افزایش اثرگذاری کشور بر فرایندها، تصمیم‌سازی‌ها و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی، همسایگی، منطقه‌ای و جهانی می‌شود. این مسئله به صورت تسلسل وار به افزایش مجدد قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی کشور کمک می‌کند (احمدی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۱۰).

عوامل خارجی ناامنی در مناطق جنوب شرق

از جمله عوامل فرامنطقه‌ای که سبب ایجاد ناامنی در منطقه جنوب شرق ایران شده‌اند، می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:



شکل شماره (۴): عوامل خارجی ناامنی در مناطق جنوب شرق

• حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای

معمولاً حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در یک منطقه با توجه به شرایط حساس آن منطقه زمینه‌ساز ناامنی خواهد بود. همکاری این قدرت‌ها با برخی از کشورهای منطقه و خصومت با برخی دیگر زمینه تضاد و ناامنی را فراهم می‌سازد. برای مثال، حضور نظامی آمریکا در افغانستان و پاکستان و پیامدهای ناخوشایند این حضور برای کشورهای این منطقه، ناامنی و بی‌ثباتی را به ارمان آورده است. گسترش یا کاهش روابط این کشورها با ایالات متحده آمریکا برای ایران تاثیر مستقیم داشته و می‌تواند اثرات جدی بر امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران به ویژه در جنوب شرق کشورمان داشته باشد و ایران را در محاصره کامل آمریکا از طرف مرزهای جنوب شرقی و شرقی قرار دهد. از طرفی هم کاهش روابط آمریکا با پاکستان ضمن آنکه مشکلات اقتصادی برای پاکستان در پی خواهد داشت؛ زمینه گسترش فرقه‌گرایی و تحریک گروه‌های داخلی پاکستان نیز خواهد بود که در این صورت نیز به نفع امنیت ملی ایران نخواهد بود (پورخسروانی، ۱۳۸۸). همچنین، به نظر می‌رسد ایالات متحده آمریکا سیاست خصمانه چند بعدی را برای تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران در ساختار امنیتی منطقه دنبال می‌کند که تنش‌سازی فرقه‌ای، گسترش ایران هراسی و بهره‌برداری ابزاری از سازمان‌های تروریستی منطقه‌ای برخی از مصادیق آن هستند. در این راستا افزایش بی‌ثباتی امنیتی برای دفاع موزاییکی در برابر گروهک‌های تروریستی فرقه‌ای، رشد نامتناسب زیرساخت‌های امنیت مرزی متناسب با حجم تهدیدهای برون سیستمی و سیاست‌اجرایی دولت مردان آمریکا برای حضور نظامی بلند مدت در افغانستان باعث شده فضا برای تحرک گروه‌های تروریستی فراهم شود. آمریکا با حضور خود در منطقه، همواره زمینه‌های ناامنی و بی‌ثباتی منطقه‌ای را فراهم کرده تا حضور بلند مدت خود را توجیه و تثبیت نماید (صبح ایران گسترش. پنجشنبه ۷ آبان ۱۳۸۸). هر چند حضور آمریکا و کشورهای غربی در منطقه به بهانه مبارزه با مواد مخدر و تروریسم در افغانستان می‌باشد، اما مانده تنها شاهد آثار مثبتی از این مبارزه نیستیم بلکه دست‌های پنهان آن‌ها را در حمایت از گروه‌های تروریستی که به ایجاد تفرقه و اختلاف بین شیعه و سنی، فارس و بلوچ می‌پردازند، شاهد می‌باشیم. بدیهی است که، مخالفان با آنالیز شرایط کنونی به این باور رسیده‌اند که مهمترین ضربه‌ای که آنان از سوی ایران تاکنون متحمل شده‌اند، یکپارچگی ایرانیان بویژه شیعه و سنی بوده است.

• وجود گروه‌های تروریست

آنچه در حادثه‌های تروریستی در مناطق جنوب شرق ایران، حائز توجه و اهمیت است، امنیت تروریسم در خاک پاکستان می‌باشد. پاکستان در سال‌های اخیر همواره کانون اقدام‌های تروریستی و خشونت‌های بی‌شمار بوده است. حوادث تلخ شهادت هموطنانمان در سال‌های اخیر در مرزهای شرقی و جنوب شرقی کشور، مبین این حقیقت است که ساماندهی و هدایت جریان‌های تروریستی از خاک پاکستان صورت می‌گیرد و تروریست‌ها و عوامل نفوذی به راحتی قادر به عبور از مرزهای این کشور به داخل ایران و بازگشت دوباره هستند. در همین رابطه، بعد از حادثه تروریستی ۲۶ مهر ماه ۱۳۸۸، در سیستان و بلوچستان، مصطفی محمد نجار، وزیر کشور در سفر به پاکستان و دیدار با زرداری، رئیس جمهور پاکستان اعلام می‌دارد: «از رئیس جمهور و دولت پاکستان مجدانه می‌خواهیم عوامل تروریستی را که در خاک پاکستان تردد و علیه ایران اقدامات تروریستی می‌کنند، شناسایی و بازداشت کند. همچنین تاکید می‌کند، مرز جمهوری اسلامی ایران همیشه برای پاکستان مرز امن و باثبات بوده است و ما متقابلاً از این کشور انتظارات بیشتری در خصوص امنیت مرزی داریم» (ایران. دوشنبه ۴ آبان ۱۳۸۸). در این زمینه هرچند مقامات حکومتی پاکستان به ایران قول مساعدت و همکاری لازم جهت برطرف ساختن ناامنی در مرزهای دو کشور، خنثی سازی اقدامات تروریستی و تحویل عوامل آن که در خاک این کشور هم تردد دارند، به ایران داده‌اند اما تاکنون شاهد اقدامات مثبت این کشور نسبت به عوامل تروریستی نبوده‌ایم.

• قاچاق مواد مخدر

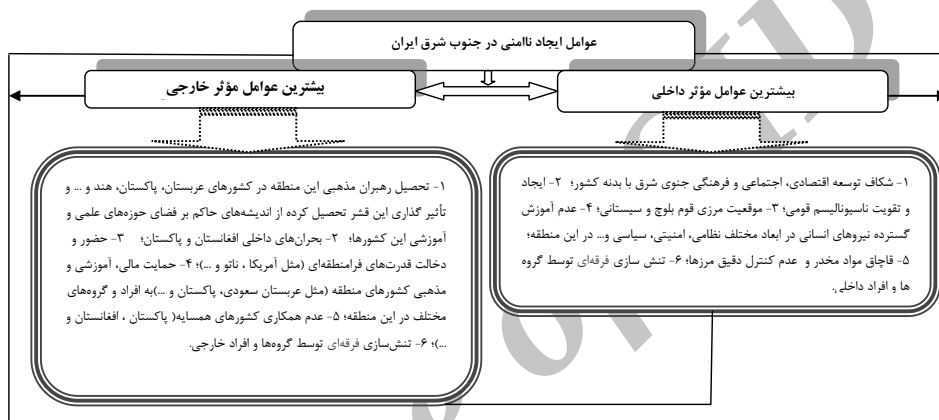
تأثیر داشتن مبارزه با تروریسم بستگی به تأثیر آن در مبارزه با مواد مخدر نیز دارد. پدیده مواد مخدر در واقع تغذیه کننده تروریسم است. در صورت مهار ساختن آن یکی از راه‌های تامین مالی تروریست‌ها بسته خواهد شد. این مواد تروریسم را تغذیه و تقویت نموده، همچنین صلح و امنیت کشورها را به چالش می‌کشد همچنان که به یک پدیده فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. در این اواخر اداره پاسخ‌گویی دولتی ایالات متحده آمریکا با انتشار گزارشی، هشدار داده است که گستردگی کشت خشخاش و تجارت مواد مخدر ثبات سیاسی منطقه را با خطر مواجه کرده است. بر اساس گزارش اداره پاسخگویی دولتی آمریکا و نیز گزارشی که جندی پیش از سوی سازمان‌های بین‌المللی انتشار یافت، میزان کشت و تولید مواد مخدر

در تابستان سال ۱۳۸۶ نسبت به سال قبل آن، پنجاه و هفت درصد افزایش داشته است. اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل در افغانستان می گوید اکنون ۹۲ درصد تریاک غیرقانونی جهان در افغانستان تولید می شود. مسئولان این سازمان در کابل، نا امنی ها و دست باز قاچاقچیان را در انتقال مواد مخدر به بیرون از افغانستان، دلایل اصلی این افزایش خوانده اند (Fujimura, ۲۰۰۸: ۲). آنتونیو ماریا کوستا، رئیس دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل، ناحیه مرزی افغانستان با پاکستان را فعال ترین منطقه قاچاق تریاک در جهان توصیف کرده است. بزرگترین قطب تولید مواد مخدر در کشور افغانستان قرار دارد. قاچاق مواد مخدر و قاچاق کالا از جمله مسائلی است که هر سه کشور ایران و پاکستان و افغانستان برای مهار آن نیازمند یک همکاری نزدیک و سازنده هستند (Rashid, ۲۰۰۹: ۶۷). مواد مخدر همواره از دغدغه های جدی و اساسی برای ایران بوده است. حال آنکه دولتمردان پاکستان و افغانستان به دلیل وجود مشکلات و چالش های سیاست داخلی کمتر به آن پرداخته اند و تاکنون مبارزه با این معضل از اولویت های اساسی در سیاست گذاری این کشورها برخوردار نبوده است. صدور مواد مخدر از شرق و جنوب شرق جمهوری اسلامی ایران برای مصرف داخلی و انتقال آن به بازارهای جهانی به ویژه اروپا، در ردیف مهمترین منابع نا امنی و بحران در این منطقه از کشور می باشد. از نگاه برخی از مسئولان کشور، مکانیزم ورود، توزیع و حمل و نقل مواد مخدر، بخشی از توطئه امپریالیسم علیه ایران و هدف نهایی آن، ایجاد اختلال در امنیت داخلی و گسترش فساد بین شهروندان به ویژه جوانان است (کریمی پور، ۱۳۷۹، ۱۵۰). در آن صورت هزینه مقابله با این معضل امنیتی برای کشورمان چند برابر تحمیل خواهد شد.

• بحران های داخلی افغانستان

یکی دیگر از مشکلاتی که کشور ایران از گذشته های دور تا به امروز با آن دست به گریبان بوده و هنوز هم ادامه دارد، اوضاع آشفته کشور افغانستان است. این کشور در همسایگی ایران و پاکستان قرار گرفته و مرزهای طولانی با هر دو کشور دارد. وجود ثبات و امنیت در افغانستان به عنوان همسایه مشترک دو کشور از دغدغه های اساسی ایران و پاکستان است. جمهوری اسلامی ایران جمعیت کثیری از مهاجران افغانستان را پذیرفته که به علت وجود نا امنی در افغانستان و نبود زیرساخت های اقتصادی جهت ادامه ی معیشت قادر به بازگشت به کشور خود نیستند و این امر هزینه ی سنگینی را به ایران تحمیل ساخته است. همچنین وجود

ناامنی داخلی در افغانستان و ادامه آن تاثیر به سزایی بر امور امنیتی کشور خواهد داشت و زمینه ساز بوجود آمدن بحران امنیتی خواهد شد. همچنین روی آوردن گروه‌هایی از این مهاجرین به کارهایی مثل، قاچاق مواد مخدر، دزدی، انسان ربایی و ... هراس و وحشت را در بین مردم دو کشور ایران و پاکستان ایجاد و امنیت داخلی را شکننده می‌سازد (پورخسروانی، ۱۳۸۸). در مجموع، عوامل ایجاد ناامنی در جنوب شرق، در شکل زیر (شکل شماره ۵) به نمایش در می‌آید.



شکل شماره (۵): عوامل ایجاد ناامنی در جنوب شرق

یافته‌های میدانی تحقیق

در این بخش با استفاده از روش‌های آمار استنباطی به تحلیل و آزمون فرضیات تحقیق پرداخته می‌شود. فرضیات تحقیق عبارتند از:

- ۱- عوامل داخلی در ایجاد و بروز ناامنی در جنوب شرق ایران مؤثر است.
 - ۲- عوامل خارجی در ایجاد و بروز ناامنی در جنوب شرق ایران مؤثر است.
 - ۳- عوامل خارجی بیش از عامل داخلی در ایجاد و بروز ناامنی در جنوب شرق ایران مؤثر است.
- آزمون فرضیات: برای تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌های تحقیق، با توجه به گویه‌های مطرح شده در شکل شماره (۱) مربوط به متغیرهای عوامل داخلی و خارجی، از آزمون رگرسیون

خطی استفاده شده است. نتایج حاکی از این است که در اکثر متغیرها و گویه‌های عوامل داخلی و خارجی در ایجاد ناامنی در جنوب شرق ایران مؤثر می‌باشند. به منظور سنجش این تأثیر و سهم هر کدام از عوامل، از ۱۹ گویه مطابق با شکل شماره (۱) استفاده شده است. هدف ما از آزمون رگرسیون مطالعه و بررسی میزان همبستگی و اثرات و عملکرد یک پدیده بر روی پدیده‌های دیگر است و با توجه به موضوع پژوهش که بررسی عوامل ناامنی در جنوب شرق کشور است، عوامل یا متغیرهای مستقل بر اساس رابطه و شدت این رابطه بر روی متغیر وابسته اثر می‌گذارند. نخست باید بدانیم آیا همبستگی معناداری بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته وجود دارد یا نه. بنابراین از طریق جدول (ANOVA) و با توجه به سطح معناداری (SIG) که کوچکتر از ($\alpha=0/05$) است، پی می‌بریم که رابطه یا همبستگی معنادار بین متغیرها وجود دارد.

شکل شماره (۶) (ANOVA)

مدل	Sum of Squares مجموع مربعات	df درجه آزادی	(میانگین مربعات) Mean Square	محاسبه شده F	سطح Sig معناداری
Regression (رگرسیون)	۲۰۲۳,۱۰۲	۱	۲۰۲۳,۱۰۲		
Residual (کل)	۱۱۶۲,۹۶۸	۱۴۱	۸,۲۴۸		۰۰۰a.
	۳۱۸۶,۰۷۰	۱۴۲			
۲-Regression (رگرسیون)	۳۱۸۶,۰۷۰	۲	۱۵۹۳,۰۳۵		
Residual (کل)	۰۰۰.	۱۴۰	۰۰۰.		۰۰۰b.
	۳۱۸۶,۰۷۰	۱۴۲			
b. Predictors: (Constant), AVAMELD, AVAMELKH					
a. Predictors: (Constant), AVAMELDC. Dependent Variable: NAAMNI					

لازم است ذکر شود که هرچه شدت همبستگی بین هر یک از متغیرهای مستقل بیشتر باشد (زمانی که متغیرهای مستقل بیشتر از یک مورد است) می‌توان گفت که متغیری که ضریب همبستگی بیشتری داشته باشد، به نوبه خود بیشترین تأثیر را هم بر روی متغیر وابسته خواهد گذارد. بنابراین با توجه اینکه همبستگی در سطح $0/01$ است رابطه بین متغیرها بسیار قوی است. همچنین در شکل شماره (۷) مشاهده می‌گردد که با توجه به مقدار ضریب همبستگی، متغیر عوامل خارجی ($0/797$) بیشتر از متغیر عوامل داخلی ($0/678$) است.



شکل شماره (۷) تعیین همبستگی بین متغیرها

Correlations		عوامل خارجی	عوامل داخلی	ناامنی
(متغیر مستقل) عوامل خارجی	ضریب همبستگی	۱	۰۹۶.	**۷۹۷.
	Sig سطح معناداری		۲۵۵.	۰۰۰.
	(N) تعداد	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳
(متغیر مستقل) عوامل داخلی	ضریب همبستگی	۰۹۶.	۱	**۶۷۸.
	Sig سطح معناداری	۲۵۵.		۰۰۰.
	(N) تعداد	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳
(متغیر وابسته) ناامنی	ضریب همبستگی	**۷۹۷.	**۶۷۸.	۱
	Sig سطح معناداری	۰۰۰.	۰۰۰.	
	(N) تعداد	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳

**. Correlation is significant at the ۰,۰۱ level (2-tailed).

در اینجا ما می‌توانیم این امر را با آزمون رگرسیون بصورت یک رابطه یا همبستگی خطی معنادار نشان دهیم.

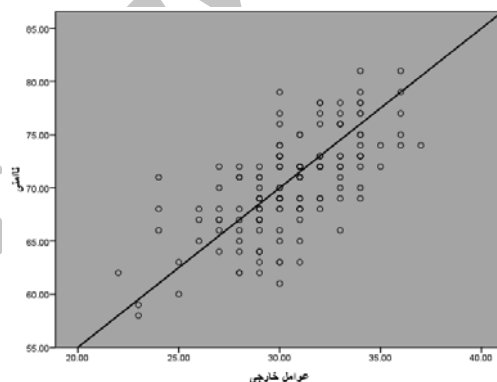
شکل شماره (۸) سنجش تأثیر عوامل داخلی و خارجی در بروز ناامنی با استفاده از آزمون رگرسیون خطی

مولفه	تعداد N	میانگین Mean	R مقدار همبستگی	R Square	R Square Change	آزمون T	سطح معناداری (SIG)	Beta
عوامل خارجی	۱۴۳	۳۰/۸۰	۰/۸۰	۰/۶۴	۰/۶۴۲	۹/۹۸۷	۰/۰۰۰	۰/۷۳۹
عوامل داخلی	۱۴۳	۳۰/۴۶	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۰/۳۴۵	۱۵/۸۵۵	۰/۰۰۰	۰/۶۰۷

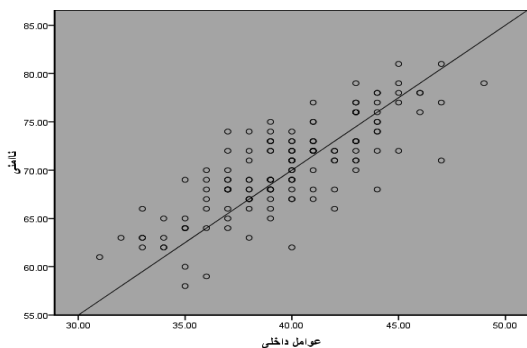
با توجه به وجود همبستگی قوی بین متغیرها می‌توان اذعان نمود که هر کدام از عوامل داخلی و خارجی در ایجاد و بروز ناامنی در جنوب شرق ایران مؤثر می‌باشند؛ بنابراین H_0 به نفع H_1 رد می‌گردد. یعنی فرض H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه و تأثیر عوامل داخلی و خارجی بر ایجاد و بروز ناامنی رد می‌گردد. بعد از مشخص شدن تأثیر عوامل بایستی مشخص گردد که کدام دسته از عوامل یا کدامیک از متغیرها بیشترین تأثیر را در بروز ناامنی

دارند. براساس مقدار آزمون T و با توجه به سطح معناداری آزمون که کمتر از ۰/۰۵ است، و با توجه به R مقادیر ضریب همبستگی بین دو متغیر، و مقدار R Square (Change) R Square یعنی ضریب تعیین سهم متغیر مستقل در متغیر وابسته، می‌توان نتیجه گرفت که وقتی دو متغیر عوامل خارجی و داخلی در آزمون رگرسیون وارد شدند، تغییری که بالاترین همبستگی را با متغیر وابسته (ناامنی) داشته باشد وارد معادله می‌شود. در این مساله عوامل خارجی با توجه به داده‌های جدول فوق بیشترین تأثیر (۰/۶۴۲) را با عوامل ناامنی دارند؛ یعنی ۶۴ درصد از عوامل مربوط به ناامنی مربوط به عوامل خارجی تبیین می‌شود و اما با وارد کردن متغیر دوم؛ یعنی عوامل داخلی بر معادله دیده می‌شود که نقش و سهم عوامل داخلی در متغیر وابسته (۰/۳۴۵) است. از آنجایی که تعداد متغیرهای مستقل بیش از یک مورد است، حتی از روی مقادیر ستون $Beta$ می‌توان اذعان داشت که سهم عوامل خارجی بیش از عوامل داخلی است. بنابراین عوامل خارجی بیشتر از عوامل داخلی در بروز ناامنی در جنوب شرق ایران مؤثر بوده است. از آنجایی که متغیرهای تحقیق بیش از ۲ مورد است؛ نمی‌توان این تأثیر همزمان متغیرها را بر روی متغیر وابسته به صورت گرافیکی روی دستگاه مختصات نشان داد. بنابراین اثر تک تک عوامل را بررسی می‌کنیم.

شکل شماره (۹) تأثیر عوامل داخلی در ایجاد ناامنی در جنوب شرق ایران



شکل شماره (۱۰) تأثیر عوامل خارجی در ایجاد ناامنی در جنوب شرق ایران



با توجه به شکل شماره (۹) مشاهده می گردد که نقاط اطراف خط رگرسیون نسبت به نقاط موجود در شکل شماره (۱۰) تا حد امکان به حالت تقارن و موزون و با حداقل مجذور فاصله نسبت به خط مورد نظر قرار گرفته اند و این امر همبستگی هرچه بیشتر و سهم بیشتر عوامل خارجی را نسبت به عوامل داخلی در بروز ناامنی در جنوب شرق ایران نشان می دهد.

بحث و نتیجه گیری

اقلیم خشک، کویر و کمبود آب همراه با ساختار قبیله ای و اجتماعات انسانی کم شمار در قالب شهرها و روستاهای پراکنده سبب نوعی جبر جغرافیایی در زندگی مناطق شرق به ویژه جنوب شرق کشور شده است. افزون بر آن، انزوای جغرافیایی نسبت به مرکز، عدم مشارکت در سطح محلی و ملی و توسعه نیافتگی استان بی تأثیر در این امر نبوده اند. در این راستا، جنوب شرقی ایران به ویژه استان سیستان و بلوچستان در چند سال اخیر به یکی از ناامن ترین استان های مرزی کشور تبدیل شده است. آمیخته بودن جمعیت شیعه و سنی با تحریک نیروهای خارجی و ناسیونالیسم، فعالیت گروه های مسلح، مرز طولانی با پاکستان، قاچاق سودآور مواد مخدر، نارضایتی اهالی از مسئولان محلی و مرکزی و دسترسی آسان به سلاح غیرمجاز، همگی از عواملی معرفی شده اند که در تضعیف امنیت این استان مؤثرند. این منطقه همواره امنیتی شکننده داشته، اما از سال ۱۳۸۴ با گروگان گیری ها و قتل و ترور گروه های تروریستی (مانند گروه جند...)، این منطقه از کشور به دغدغه ای اساسی برای مقامات امنیتی و قضایی حکومت مرکزی تبدیل شده است. از طرفی هم، تأمین امنیت کشور نیازمند به همکاری متقابل بوده و بازدارندگی از تهدیدات برای تقویت امنیت مناطق جنوب

شرق از طریق رایزنی و همکاری با کشورهای همسایه (پاکستان و افغانستان) امکان پذیر می‌باشد. از طرفی دیگر، عوامل ناامنی جنوب شرق کشور هم متأثر از عوامل داخلی و هم عوامل خارجی است که هر کدام سهم قابل توجهی در ناامن کردن این منطقه از کشور را داشته‌اند. از آنجا که امنیت مناطق مرزی در یک کشور به معنای امنیت اجتماعات انسانی در داخل مرزهاست؛ بنابراین، کشورهای همسایه در قبال امنیت مرزی یکدیگر و امنیت ملت خود مسئول می‌باشند. و می‌توان گفت که عدم توجه به این مسئله هزینه‌های و پیامدهای جبران ناپذیری برای همسایگان به همراه خواهد داشت. در ضمن محیط راهبردی ج. ا. ایران در زمینه‌ی عوامل ایجاد کننده بحران و ناامنی، در معرض تهدیدات امنیتی در حوزه‌های ژئوپلیتیکی فرامرزی قرار دارد؛ با این وجود فضای جغرافیایی سیاسی ایران به سبب آنکه مکمل راهبردهای جغرافیای سیاسی کشورها و قدرت‌های پیرامونی است، تهدیداتی چون اقدام‌های تروریستی، قاچاق تسلیحات و مواد مخدر، ورود کالاهای ممنوعه، ناامنی نواحی مرزی و حمله به پاسگاه‌های مرزبانی و غیره در کنار تحرکات قومی - مذهبی به ویژه پس از جنگ افغانستان امنیت مرزهای جنوب شرقی و شرق ایران را بیش از پیش به مخاطره انداخته است. بی‌ثباتی کشورهای همجوار ایران (مانند کشور پاکستان و افغانستان)، چالش‌های راهبردی را در جنوب شرق کشور باعث شده است. همچنین، عدم رشد فرایند دموکراسی و ناپایداری حکومت‌های پیرامونی و گسترش اقتدار قومی آن‌ها در مرزهای شرقی و جنوب شرقی بر آسیب پذیری مرزهای جغرافیایی و امنیتی ایران در این منطقه افزوده است. از شاخص‌های مختصات ناامنی و عمق راهبرد خارجی جمهوری اسلامی ایران، افزایش منازعات مسلحانه فرقه‌ای و گروه‌های تروریستی است، به طوری که برخی گروه‌های وهابی و سلفی با سازماندهی تشکلهای سیاسی - نظامی سلفی به صورت مستقیم در تریبات امنیتی منطقه‌ای وارد شده‌اند که بیشتر از ابزار و شیوه‌های مبارزاتی غیرقانونی مانند عملیات انتحاری، بمب گذاری، گروگانگیری، قتل و غیره استفاده می‌کنند. بنابراین، تداوم وضع موجود، می‌تواند به تشدید واگرایی این منطقه از حکومت مرکزی بیانجامد که این امر هزینه امنیتی و انتظامی بالایی را نیز به همراه خواهد داشت و در پی آن، کاهش مشروعیت دولت مردان مرکزی را در بین مردم مناطق جنوب شرق باعث خواهد شد.

پیشنهادهای جهت تقویت امنیت پایدار و انسجام ملی

در منطقه جنوب شرق ایران، جهت تقویت همبستگی و پیوند بیشتر مردم این منطقه با بقیه ملت ایران و همچنین جلوگیری از مداخله عوامل خارجی و بیگانه در راستای تقویت امنیت پایدار ملی پیشنهادهایی در ذیل مطرح می‌شود:

۱- گسترش شبکه‌های ارتباطی ریلی، جاده‌ای و هوایی در فضاهای جغرافیایی دور افتاده و حاشیه‌ای جنوب شرق کشور؛ به منظور توسعه تعاملات اجتماعی- سرزمینی در تمام مناطق کشور به ویژه مناطق مرزی؛

۲- تقویت و توسعه روابط دو جانبه با کشورهای همسایه (پاکستان و افغانستان، عربستان و...) به ویژه در ارتباط با مسائل امنیتی و نظامی و تعهدات قابل اجرا در این زمینه؛ همچنین، آسیب شناسی سیاست‌های دوگانه پاکستان در قبال جریان‌های افراط گرای فرقه‌ای؛

۳- افزایش تعامل میان مدیران نظام و نخبگان قومی- مذهبی جنوب شرق کشور؛ به منظور اطلاع رسانی به آنان از اهداف عوامل خارجی، برای تغییر مهندسی بافت سیاسی، قومی، فرهنگی و ملی ایران؛

۴- تقویت زیربنای توسعه و توجه ویژه به رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جنوب شرق.

۵- بسترسازی مشارکت اقوام این منطقه در ساختار فضایی قدرت (در ابعاد ملی، منطقه‌ای، محلی).

منابع

- ۱- آزر، ادوارد ای و این مون، چونگ (۱۳۷۹)؛ امنیت در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۲- احمدی پور، زهرا و همکاران (۱۳۸۶)؛ «بررسی روند شتاب توسعه یافتگی فضاهای سیاسی- اداری کشور؛ مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه اول تا سوم توسعه (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول، بهار
- ۳- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)؛ مراحل بنیادین در مطالعات امنیت ملی، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۴- امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ناامنی در مرزهای مشترک با پاکستان، روزنامه صبح ایران گسترش، سال اول، شماره ۱۷۰، پنجشنبه ۷ آبان ۱۳۸۸
- ۵- بوزان، باری و ویور، آلی و دو ویلد، پاب (۱۳۸۶)؛ چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۶- بهرامی، محمد (۱۳۸۲)؛ «قرآن و مسئله امنیت ملی»، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۵-۳۶
- ۷- پورخسروانی، انیس (۱۳۸۸)؛ همکاری ایران و پاکستان در عرصه امنیت انسانی: موانع و راهکارها، از: <http://www.birjand.ac.ir/ichswa/downloads/14%20pourkhosravani%A.pdf>.
- ۸- حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی، مراد (۱۳۸۵)؛ «نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مورد: قوم بلوچ)»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد بیستم، شماره ۱
- ۹- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت
- ۱۰- طیب، علیرضا (۱۳۸۰)؛ ارزیابی انتقادی در زمینه امنیت بین الملل، تهران: نشر نی
- ۱۱- راستی، عمران و رحیمی، محمد (۱۳۸۷)؛ «امنیت و توسعه در غرب آسیا از منظر مدل محور- پیرامون: مطالعه موردی مناطق مرزی کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان»، مجموعه مقالات همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا:
- <http://www.birjand.ac.ir/ichswa/downloads/11%20rasti%20rahimi%A.pdf>.
- ۱۲- راغی، سید نورالله (۱۳۸۶)؛ «چالش‌های امنیتی جنوب آسیا و آسیای مرکزی، افراط‌گرایی، تروریسم و قاچاق مواد مخدر»، فصلنامه مطالعات استراتژیک، شماره ۱۳ و ۱۴، پاییز و زمستان
- ۱۳- روزنامه ایران، دوشنبه ۴ آبان ۱۳۸۸
- ۱۴- رنجبر، مقصود (۱۳۸۵)؛ «مفهوم امنیت در اندیشه‌های سده میانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره اول، بهار
- ۱۵- شولتز، ریچارد و گادسون، روی و کوئیستر، جورج (۱۳۸۶)؛ رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی، ترجمه سید محمد علی متقی نژاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی



۱۶- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹)، زایش و خیزش ملت، تهران: انتشارات ققنوس

۱۷- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۶)، «ناحیه گرایی سیاسی در ایران، مطالعه موردی: بلوچستان»، مراد کاویانی

راد در فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۳۵ بهار

۱۸- کاویانی راد، مراد (۱۳۹۰)، «کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان در مناسبات ایران و پاکستان» نویسنده مراد

کاویانی راد از کتاب مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

۱۹- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹)؛ ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت

معلم

۲۰- کریمی مله، علیرضا (۱۳۸۴)؛ «شناسایی مرجع امنیت در رویکرد امنیت ملی امام خمینی»، فصلنامه

مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان

۲۱- کوساری، اسد و حیدری، محمد (۱۳۸۸)؛ «بررسی نقش قوم بلوچ در امنیت مرزهای جنوب شرق

ایران»، فصلنامه اندیشه انتظامی و مرز، سال چهارم، شماره اول، بهار

۲۲- مدیر شانه چی، محسن (۱۳۸۰)؛ «گوناگونی در ایران؛ زمینه سازی تکامل ملی و مرکزیت منطقه ای»،

فصلنامه مطالعات ملی، پاییز، شماره ۳

۲۳- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)؛ تحولات قومی در ایران؛ علل ها و زمینه ها، تهران: مؤسسه مطالعات ملی

۲۴- ملازهی، پیرمحمد (۱۳۸۰)؛ «تحولات سیاسی- ایدئولوژیک در بلوچستان»، فصلنامه مطالعات ملی،

سال دوم، شماره ۸، تابستان

۲۵- میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹)؛ «نیم نگاهی به مفهوم امنیت»، ترجمه سید عبدالقیوم سجادی، مجله علوم

سیاسی، سال سوم، شماره نهم، تابستان

۲۶- منازعات فرقه ای پاکستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، سایت حوزه، ۳۰ اسفند ۱۳۸۸ - شماره

۲۶۷

۲۷- نظریور، محمد نقی (۱۳۷۸)؛ ارزش ها و توسعه، تهران: انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲۸- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵)؛ «تاملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تاکید بر گونه های امنیت»، فصلنامه

مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره اول، بهار

29- Booth, Ken. (2008). Security And Emancipatin, Review Of International Studies. 17 Octobr

30- Fujimura, manabu.(2008). "Afghan Economy After the Election". Assian Development Bank Institute

31- Job, Brianl. (2005). The Insecurity Dilemma: National, Regime, And State Securities in The Third World, In Job. The Insecurity Dilemma

32- Kathleen E. Braden and Fred M. Shelley,(2007). engaging geopolitics

seattle pacific and southern university press

33- Ullman, Richard. (2009). Rede Fining Security, International Security,
8. Summer

34- Rashid, Ahmad(2009). "Taliban-Militant Islam, Oil And Funamentalism
Incentral Asia". Yaleuniversity press.

35- Rall, Ted. (2005). " To Afghanistan And Back: A Graghic travelogue".
New York: NBN Publishing.

(Footnotes)

1- Frank Trager

2- Richard Ullman

3- Miechel Loud

فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی



۴۴

فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی

Archive of SID